

بررسی تحولات اقتصادی جهان و تقاضای انرژی

چکیده

بازارهای انرژی وابستگی کامل به چگونگی تحولات اقتصادی و در نتیجه روند مصرف انرژی مناطق مختلف جهان دارد. این ویژگی، اهمیت ضرورت بررسی تحولات اقتصادی جهان را در پیش‌بینی‌های مربوط به بازار انرژی و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های آن، فراتر می‌برد. در این گزارش ضمن بیان پیش‌بینی‌های اقتصادی، به روند تحولات اقتصادی در جهان و مناطق عمده آن با توجه به شاخص‌های عمده اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی و غیره پرداخته می‌شود و سپس روندها با توجه به نوع شاخص و همچنین تفاوت منطقه مورد مقایسه و تحلیل قرار خواهند گرفت. بنابراین با توجه به بهبود محسوس عملکرد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۴ و سپس کاهش تدریجی آن در سال ۲۰۰۵، پیش‌بینی می‌شود سال ۲۰۰۶، علی‌رغم بهبود نسبی روندها، تفاوت چندانی با سال ۲۰۰۵ نداشته باشد. تحولات منطقه‌ای حاکی از آن است که افزایش تقاضای نفت، همگام با رشد کشورهای در حال توسعه صورت خواهد پذیرفت، گرچه انتظار نمی‌رود نوسانات شدید قیمت نفت مانند سال گذشته ادامه داشته باشد اما بر اساس پیش‌بینی‌ها قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۶ نیز همچنان در سطوح بالایی باقی خواهد ماند. نوسانات نرخ ارز نیز بنا بر پیش‌بینی‌ها احتمالاً ادامه خواهد یافت. در این میان پیشرو بودن کشورهای عضو OECD در رشد جهانی، افزایش تقاضای آسیا،

۱. کارشناس گروه پژوهشی عرضه و تقاضای انرژی و مطالعه بازار - مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی
m.razdan@yahoo.com

۲. رئیس گروه پژوهشی عرضه و تقاضای انرژی و مطالعه بازار - مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

همچنین بهبود وضعیت چین و هند همگام با سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این مناطق، از جمله دیگر موارد قابل تامل می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: نرخ رشد اقتصادی، تورم، شاخص اطمینان تجاری و مصرف‌کننده، قیمت واقعی، سرمایه‌گذاری، تراز تجاری، تقاضای نفت.

مقدمه

هدف عمده بررسی تحولات اقتصادی، وجود رابطه تنگاتنگ انرژی و نفت و مسائل مربوط به آن با مسائل و تحولات اقتصادی جهان است. لذا بررسی‌های اقتصادی در واقع زمینه‌ای برای تحلیل مسائل انرژی و نفت جهان فراهم خواهند نمود. تمرکز عمده در این گزارش، چگونگی عملکرد اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و پیش‌بینی‌های ۲۰۰۶ و هدف اصلی پاسخ به دو سوال زیر است:

■ آیا روند اقتصادی تحقق یافته با پیش‌بینی‌های قبلی سازگار بوده است؟

■ پیش‌بینی‌های فعلی، اقتصاد جهان را چگونه ارزیابی می‌نماید؟

به منظور پاسخ به سوالات مطرح شده، پس از یادآوری نتایج حاصل از بررسی‌های گذشته عملکرد و پیش‌بینی‌های اقتصادی جهان، چگونگی عملکرد اقتصادی شاخص‌های عمده در سطح جهان از سویی و همچنین مناطق عمده اقتصادی جهان از سوی دیگر مورد توجه بوده و پیش‌بینی‌های اخیر در این زمینه مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت؛ در نهایت با مقایسه اجمالی شاخص‌های اصلی مناطق عمده اقتصادی جهان، نتیجه بحث ارائه خواهد گشت.

نتیجه اصلی از مطالعات انجام شده این است که رشد اقتصادی محسوس و بسیار قابل توجه در سال ۲۰۰۴ و عدم تکرار آن تا سال ۲۰۰۶ در واقع از جمله مسائل بسیار مهمی است که در بازار انرژی نیز باید مورد توجه تحلیل‌گران قرار گیرد.

۱. مروری بر پیش‌بینی‌های گذشته و انتظارات قبلی

در سال ۲۰۰۳ رشد اقتصادی بالا برای جهان مطرح شد و بهبود محسوس در سراسر جهان و خصوصاً در کشورهای OECD قابل مشاهده بود. همچنین در سال ۲۰۰۳ با احیای توانمندی اقتصادی آسیا (خصوصاً چین و ژاپن)، آمریکای شمالی و انگلستان، ژاپن در عرصه رونق اقتصادی در این سال از منطقه پولی یورو پیش افتاده است. در سال ۲۰۰۳ تقاضای نفت و گاز نیز، همگام با بهبود اقتصادی مناطق عمده

اقتصادی جهان، رشد چشمگیری داشت و پیش‌بینی می‌شد در سالهای ۲۰۰۴ نیز روند بهبود (خصوصاً برای ایالات متحده) ادامه داشته باشد و پس از آن در سال ۲۰۰۵ رشد اقتصادی در سطح جهان تعدیل گردد. بنابر پیش‌بینی‌های این سال مبنی بر ادامه رونق، افزایش نسبی در تقاضای نفت و گاز برای سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ پیش‌بینی می‌شد.

۲. بررسی عملکرد اقتصادی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و پیش‌بینی‌های ۲۰۰۶

۲-۱. تحولات هر یک از شاخص‌های عمده اقتصادی

بررسی کلی تحولات اقتصادی جهان مستلزم بررسی شاخص‌های عمده اقتصادی است که تأثیرگذار در اقتصاد جهان و همچنین بر سایر شاخص‌ها می‌باشند. بدین منظور، روند تحولات هر یک از شاخص‌های نرخ رشد اقتصادی، تورم، شاخص اطمینان، و سرمایه‌گذاری بطور جداگانه از سال ۱۹۹۶ بررسی و پیش‌بینی‌های ۲۰۰۶ نیز به دنبال آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

• روندهای نرخ رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی در سطح جهان همانگونه که انتظار می‌رفت در سال ۲۰۰۴ بهبود قابل توجهی از خود نشان داده است. بهبود تحقق یافته در سال ۲۰۰۴ عمدتاً در بیشتر مناطق از جمله ایالات متحده آمریکا و کشورهای در حال توسعه حتی از ارقام پیش‌بینی شده گذشته نیز بیشتر بوده و بیش از حد انتظار صورت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت توسعه و رونق اقتصادی جهان به مراتب از انتظارات موجود در این زمینه پیشی گرفته و بسیاری را غافلگیر نموده است.

از جمله مناطق معدودی که رشد اقتصادی برای آنها کمتر از مقادیر پیش‌بینی شده در گذشته به وقوع پیوست می‌توان به اروپا و ژاپن اشاره کرد. دلایل عمده عدم تحقق رشد پیش‌بینی شده برای اروپا، وجود مشکلات صادرات، ناشی از افزایش ارزش یورو، و ضعف تقاضای نهایی مصرف‌کنندگان بود. در ژاپن در واقع ایجاد سیستم اصلاح حساب‌ها و در نتیجه تغییر برآوردهای نرخ رشد از علل عمده وجود تفاوت در نرخهای رشد اقتصادی تحقق یافته در مقایسه با پیش‌بینی‌ها بوده است.

بجز اروپا و ژاپن در سایر مناطق، چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، افزایش قابل توجهی در نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۴ وجود داشته است. قابل ذکر است اگر

رشد مناطق مذکور را با سال های شکوفایی و رشد ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ نیز مقایسه کنیم، نرخ رشد تحقق یافته در سال ۲۰۰۴ در موارد متعددی از آنها هم بالاتر و حتی برای اروپا و ژاپن نیز نرخ رشد های تحقق یافته به نسبت روند آن کشورها، مطلوب بوده است. براساس مطالعات انجام شده توسط IMF و OECD، نرخ رشد اقتصادی پس از افزایش استثنائی و قابل توجهی که در سال ۲۰۰۴ داشته است، در سال ۲۰۰۵ از کاهشی نسبی برخوردار شد. مشاهدات نشان می دهد آرام شدن رشد اقتصادی جهان در واقع از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ آغاز شد.

جدول ۱. میزان عملکرد و پیش بینی نرخ های رشد اقتصادی در مناطق عمده

(درصد)

سال	منطقه	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
جهان		۴/۱	۴/۲	۲/۸	۳/۷	۴/۷	۲/۴	۳	۴	۵/۱	۴/۳	۴/۳
OECD		-	۳/۵	۲/۷	۳/۱	۳/۹	۱/۲	۱/۸	۲/۲	۳/۶	۲/۷	۲/۹
ایالات متحده آمریکا		۳/۷	۴/۵	۴/۲	۴/۴	۳/۷	-۱/۸	۱/۹	۳	۴/۲	۳/۵	۳/۳
ژاپن		۳/۵	۱/۸	-۱/۲	۰/۲	۲/۸	۰/۴	-۰/۳	۱/۴	۲/۷	۲	۲
منطقه پولی یورو		۱/۴	۲/۳	۲/۹	۲/۸	۳/۵	۱/۶	-۱/۸	۰/۵	۲	۱/۲	۱/۸
اروپای مرکزی و شرقی		۴/۸	۴/۲	۲/۸	۰/۴	۴/۹	۰/۲	۴/۴	۴/۶	۶/۵	۴/۳	۴/۶
اتحادیه اروپا		۱/۹	۲/۸	۳/۱	۲/۹	۳/۷	۱/۸	۱/۲	۱/۲	۲/۵	۱/۶	۲/۱
کشورهای عمده پیشرفته صنعتی		۳	۳/۴	۲/۷	۳/۵	۳/۹	۱/۲	۱/۶	۲	۳/۳	۲/۵	۲/۷
کشورهای تازه صنعتی شده آسیا		۶/۴	۵/۶	-۲/۲	۷/۲	۷/۹	۱/۱	۵	۳/۱	۵/۶	۴	۴/۷
آسیای در حال توسعه		۸/۲	۶/۵	۴/۱	۶/۲	۶/۷	۵/۵	۶/۶	۸/۱	۸/۲	۷/۸	۷/۲
چین		۹/۶	۸/۸	۷/۸	۷/۱	۸	۷/۵	۸/۳	۹/۳	۹/۵	۹	۸/۲
هند		۷/۵	۵	۵/۸	۶/۷	۵/۴	۳/۹	۵	۷/۵	۷/۳	۷/۱	۶/۳
خاورمیانه		۴/۶	۵/۳	۳/۸	۲/۴	۵/۵	۳/۶	۴/۳	۵/۸	۵/۵	۵/۴	۵

منابع:

Philippe Cotis OECD Economic Outlook No.78, Dec2005- Press Conference- Paris, Jean-۱ و IMF, Sep.2005

کاهش نسبی رشد در سال ۲۰۰۵ و پیش بینی ادامه آن برای سال ۲۰۰۶ نسبت به ۲۰۰۴ در تمامی منابع معتبر اقتصادی جهان مطرح است. نرخ رشد اقتصادی در کل جهان در سال ۲۰۰۴ معادل ۵/۱٪ بوده است و چنانچه پیش بینی می شد این نرخ در سال ۲۰۰۵ به ۴/۳٪ کاهش یافت و انتظار می رود در سال ۲۰۰۶ نیز همین رقم باقی بماند. برای مناطقی چون منطقه پولی یورو، اتحادیه اروپا، کشورهای OECD و همچنین کشورهای تازه صنعتی آسیا افزایش مجدد نرخ رشد، برای سال ۲۰۰۶ پیش بینی می شود

هر چند که رشد اقتصادی اکثر این مناطق همچنان به میزان رشد تحقق یافته در سال ۲۰۰۴ نخواهد رسید. از طرف دیگر پیش‌بینی‌های انجام شده برای کشورهای چین و هند و بطور کلی آسیای در حال توسعه و خاورمیانه حاکی از اینست که نرخ رشد اقتصادی این کشورها پس از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۰۶ روند کاهشی را ادامه خواهد داد. در نتیجه، افزایش بی‌سابقه قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۴ را می‌توان به رونق مطلوب ایجاد شده در سطح جهان چه در کشورهای OECD و چه در کشورهای در حال توسعه، نسبت داد. عمدتاً بدلیل اینکه همگام با رونق ایجاد شده، تقاضای کشورهای برای نفت و انرژی نیز افزایش یافت و در نتیجه با توجه به تقاضای بالا و عدم اطمینان از عرضه، قیمت‌های نفت رشدی صعودی پیدا کردند. از طرف دیگر افزایش تقاضا به دلیل تداوم رونق اقتصادی، هر چند با نرخ‌های ملایم‌تر رشد اقتصادی، موجب شد تا قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۵ نیز همچنان بالا باقی بمانند.

با مشاهده روند چگونگی نرخ رشد اقتصادی در سطح جهان و مناطق عمده آن، علت اصلی کندی روند رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۵ نسبت به ۲۰۰۴ را می‌توان توضیح داد. ابتدا یادآوری این نکته لازم است که تعدیل رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۵ به مفهوم کساد نیست، بلکه به معنای متعادل شدن اقتصاد در سطح جهان است. این امر کمابیش در تمام نقاط جهان قابل ملاحظه است و در واقع پیامد رشد بالای سال ۲۰۰۴ بوده است.

از آنجا که منظر اصلی مورد توجه برای توجیه کاهش رشد جهان در سال ۲۰۰۵ تا اندازه‌ای افزایش قیمت نفت و انرژی بوده است و تفکر بروز تورم در پی افزایش قیمت‌های نفت را برانگیخته است، لذا در ادامه ضمن بررسی روند تورم و شاخص‌های عمده موثر بر آن، تأثیرات تورم بر بخش‌های مصرف و سرمایه‌گذاری تحلیل خواهد شد.

• تغییرات تورم

تورم از دو جنبه قابل بررسی است. یک جنبه آن، تورم واقعی^۱ است که در واقع برای محاسبه آن، قیمت کالاهایی که بر مصرف‌کننده اثر مستقیم دارند مورد توجه قرار می‌گیرند (مانند نیازهای اولیه مصرف‌کنندگان) در محاسبه این شاخص، تغییرات

1. Core Inflation

قیمت انرژی و مواد غذایی نادیده گرفته می‌شوند. دوم، تورم اعلام شده^۱ است که در آن کلیه کالاها چه سرمایه‌ای و چه واسطه‌ای مورد محاسبه قرار می‌گیرند. مشاهده روند تورم در سطح جهان، اقتصادهای نو ظهور^۲ و کشورهای صنعتی نشان می‌دهد هر چند تورم اعلام شده در سال ۲۰۰۴ برای مناطق مذکور افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد اما تورم واقعی در آنها افزایش قابل توجهی پیدا نکرده است. تأثیرات تورم واقعی در مناطق مختلف تا حدودی متفاوت است. به عبارتی، در سطح جهان روند تورم واقعی بطور کلی نسبتاً یکنواخت و ثابت می‌باشد. این روند در اقتصادهای نو ظهور که شدت انرژی در آنها بالاست و دارای صنایع انرژی‌بر هستند، و برای استفاده از انرژی‌های جایگزین اقدامی صورت نداده و سیاستهای پولی و مالی قوی برای کنترل تورم نداشته‌اند، بیشتر تأثیرگذار بوده است تا کشورهای صنعتی که راندمان بالای انرژی دارند و با استفاده از انرژیهای جایگزین و سیاست‌های کنترل کننده تورم این امر را تحت کنترل دارند. در نتیجه علی‌رغم انتظار، مشاهده می‌شود افزایش قیمت‌های نفت در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ اثر قابل ملاحظه‌ای بر تورم واقعی مناطق در این سال ها در بر نداشته است و تورم واقعی، افزایش قابل توجهی را نشان نمی‌دهد.

• قیمت مصرف‌کننده

در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته پس از کاهش قیمت مصرف‌کننده تا سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، در سال ۲۰۰۵ مجدداً این شاخص افزایش نشان داد. البته برای کشورهای پیشرفته پیش‌بینی می‌شود این افزایش تا سال ۲۰۱۰ نیز ادامه یابد. اما در مورد کشورهای در حال توسعه از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ احتمالاً روندی نزولی طی خواهد نمود.

• قیمت واقعی سایر کالاها

با بررسی مقایسه‌ای قیمت‌های نفت و شاخص قیمت سایر کالاهای غیر نفتی در سطح جهان و براساس پیش‌بینی‌های IMF، قیمت کالاهای غیر نفتی در سطح جهان پس از افزایش در سال ۲۰۰۵ احتمالاً روندی کاهشی را تا سال ۲۰۱۰ خواهد داشت، این در حالی است که علی‌رغم کند شدن سرعت رشد، قیمت‌های نفت در سه ماهه اول سال

1. Headline Inflation
2. Emerging Markets

۲۰۰۵ همچنان بالا باقی مانده‌اند که از جمله دلایل عمده آن، تداوم تقاضای بالای نفت می‌باشد و براساس پیش‌بینی IMF انتظار می‌رود قیمت‌های نفت از سال ۲۰۰۶ روندی نزولی را در پیش گیرند.

به‌طور کلی در سطح جهان تورم تحت کنترل است و علائم زیادی مبنی بر تورم ناشی از قیمت نفت ملاحظه نمی‌شود. همچنین پیش‌بینی می‌شود در کوتاه‌مدت، تورم بصورت ملایم باقی بماند، هر چند بر فشارهای تورمی افزوده خواهد شد. دلایل عمده کم اثر بودن قیمت نفت در تورم عبارتند از:

الف. وابستگی به نفت در تولیدات اقتصادی در کشورهای پیشرفته کاهش یافته و سهم نفت در GDP کشورها و خصوصاً در کشورهای پیشرفته و OECD نیز نسبت به دهه ۱۹۷۰ نصف شده است.

ب. در حال حاضر به دلیل وجود سیاست‌های پولی و مالی مؤثر، خصوصاً در کشورهای OECD، تورم به خوبی کنترل می‌شود و انتظارات تورمی نسبتاً پایین است. در نتیجه، این قضاوت کلی را می‌توان مورد تأکید قرار داد که افزایش قیمت نفت اگر چه همسو با تأثیرپذیری از محدودیت‌های کنونی عرضه جهانی این ماده حیاتی، از سوی تقاضای جهانی نیز تأثیر چشمگیری پذیرفته است ولی متقابلاً، بنابر گزارش‌های منتشره توسط IMF و OECD در سال ۲۰۰۵، در کندی و علامت رونق رو به شتاب اقتصاد جهانی تأثیر چندان قابل توجهی نداشته است.

■ **حال سؤال اینجاست که اگر قیمت نفت تأثیر زیادی بر تورم نداشته پس اثر آن در کجا بوده است و رشد را چگونه تحت تأثیر قرار داده است؟ پاسخ به این پرسش با بررسی روند تحولات شاخص‌های اطمینان (مصرف کننده و تجاری) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.**

● روند تحولات شاخص‌های اطمینان

علل شکل‌گیری انتظار ملایم‌تر شدن رشد اقتصادی در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و تحقق آن در سال ۲۰۰۵، در واقع تغییرات حاصل شده در شاخص‌های اطمینان است که حکایت از ملایم‌تر شدن تقاضای داخلی می‌نمایند.

پس از بررسی عملکرد شاخص‌های اطمینان مصرف‌کننده و تجاری در مناطق عمده‌ای چون منطقه پولی یورو، ایالات متحده و ژاپن، مشخص می‌گردد که بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۵ (IMF2005) درحالی‌که پس از واقعه

یازدهم سپتامبر و کساد ایجاد شده در سال ۲۰۰۱ در سطح جهان، شاخص اطمینان تجاری کاهش شدیدی پیدا کرده بود، این شاخص در سال ۲۰۰۲ با روندی ملایم اندکی بهبود پیدا کرد ولی از سال ۲۰۰۳ و به تدریج بهبود بیشتری در آن حاصل شد؛ قابل ذکر است که این بهبودی در ایالات متحده و ژاپن مشهودتر و در اروپا متعادل‌تر بوده است.

از طرف دیگر شاخص اطمینان تجاری با توجه به تحولات هزینه تولید بسیاری بخش‌ها و نااطمینانی موجود در زمینه افزایش قیمت‌ها در بازار نفت در سال ۲۰۰۴ (خصوصاً از نیمه دوم)، با توجه به گزارش‌های IMF و OECD در سال ۲۰۰۵، روندی نزولی پیدا نمود. بر اساس پیش‌بینی‌ها در ژاپن و ایالات متحده انتظار بهبود این روند در آینده وجود دارد ولی در اتحادیه اروپا به نظر می‌رسد تفاوت چندانی در این روند ایجاد نشود.

شاخص اطمینان مصرف‌کننده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳، سوای اندک بهبود در سه ماهه اول و دوم سال ۲۰۰۲ تا ابتدای سال ۲۰۰۳ روند کاهشی شدیدی را در ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن، پیدا کرده و بطور کلی در اروپا و ایالات متحده روند خوبی را نشان نداده است؛ ولی طی سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بهبود قابل توجهی در آن ایجاد شد. این شاخص مجدداً در مناطق مذکور از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ و همچنین سال ۲۰۰۵ (به غیر از هنگام وقوع توفان کاترینا) روندی تقریباً ثابت پیدا کرد. بر اساس همین گزارش‌ها، پیش‌بینی می‌شود با تداوم بی‌ثباتی در بازار جهانی نفت، در مناطق عمده این روند کماکان بدون تغییر قابل ملاحظه‌ای ادامه داشته باشد. طبیعتاً، کاهش شاخص‌های اطمینان از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ خصوصاً در ایالات متحده، که منطقه پیشرو و جهت‌دهنده رشد اقتصادی جهان نیز می‌باشد، منجر به تاثیرگذاری بر رشد و تقاضای داخلی خواهد شد و بر متغیرهای مذکور، اثر انقباضی ایفا خواهد کرد.

• روند سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری در سطح جهان، چه در اقتصادهای نو ظهور و چه در کشورهای صنعتی از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴ روندی افزایشی داشته است. اما بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۵^۱، از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ همگام با کاهش شاخص

1. IMF2005

اطمینان تجاری و همچنین ثبات نسبی شاخص اطمینان مصرف‌کننده، درصد افزایش سرمایه‌گذاری نیز در سطح جهان و مناطق عمده کاهش پیدا کرده است. هر چند بنا بر پیش‌بینی‌های IMF، در ایالات متحده آمریکا و اکثر کشورهای که نرخ بهره پائین دارند، به مرور زمان سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت.

در زمینه تغییرات نرخ بهره بلندمدت در سطح جهان، گزارش‌های IMF2005 و OECD نشان می‌دهند که این نرخ تا سال ۲۰۰۴ روندی کاهشی طی کرده و سپس در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. بنابر پیش‌بینی‌های همین منابع، انتظار می‌رود نرخ بهره بلندمدت جهان پس از ادامه روند افزایشی تا سال ۲۰۰۷، روندی ثابت را از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۰ در پیش گیرد.

۲-۲. تحولات هر یک از مناطق عمده اقتصادی در سطح جهان

در تحلیل اقتصاد جهانی، به دلیل سهم‌های متفاوت مناطق مختلف جهان در تولید ارزش افزوده جهانی، حجم تجارت (واردات و صادرات) و جمعیت، تاثیرات متفاوتی از مناطق مختلف انتظار می‌رود و به همین دلیل بررسی مناطق عمده نیز حائز اهمیت می‌باشد. به این منظور در ابتدا به منظور بررسی مناطق عمده و چگونگی عملکرد اقتصادی آنها و همچنین پیش‌بینی شاخص‌های عمده اقتصادی در هر یک از مناطق، ابتدا جایگاه نسبی این مناطق از لحاظ اقتصادی در سطح جهان مورد بازبینی قرار می‌گیرد. سپس مروری بر تحولات هر منطقه عمده انجام و نتایج آن ارائه می‌شود.

چنانچه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ایالات متحده آمریکا با ۲۱/۱ درصد سهم در رشد اقتصادی جهان، ۱۱/۱٪ سهم در صادرات جهان و در حدود ۲۵٪ سهم در مصرف جهانی نفت و انرژی از جمله عمده‌ترین مناطق مورد بررسی است. پس از آن به ترتیب اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، هند و کشورهای تازه صنعتی شده آسیا از مهمترین مناطق تأثیرگذار در تجارت جهانی و اقتصاد جهانی محسوب می‌گردند. در مناطق مذکور، به ترتیب سهم نرخ رشد اقتصادی، مصرف جهانی نفت و انرژی و همچنین صادرات و واردات جهان کم شده و به میزان جمعیت آنها افزوده می‌گردد.

در حقیقت رشد و رونق تقاضا در ایالات متحده آمریکا، عامل تحریک تقاضا در بسیاری از اقتصادها خصوصاً شرکای تجاری آن می‌باشد و این کشور به منزله موتور محرکه اقتصاد جهان شمرده می‌شود. اروپا پس از ایالات متحده آمریکا بیشترین سهم در نرخ رشد جهان (۱۵/۹٪) را داراست. و بعد از ایالات متحده و چین بزرگترین

مصرف‌کننده انرژی و نفت جهان است (۴/۱۵٪ انرژی و ۶/۱۷٪ نفت). پیش‌بینی‌های احتیاطی پیرامون این ناحیه همچنان عامل تعدیل‌کننده خوشبینی نسبت به آینده این منطقه قلمداد می‌شوند.

جدول ۲. وضعیت نسبی و جایگاه مناطق عمده اقتصادی در ساختار اقتصادی جهان برحسب شاخص‌های عمده

(درصد)

منطقه	شاخص	سهم در جمعیت جهان	سهم در نرخ رشد اقتصادی جهان	سهم در صادرات جهانی	سهم در واردات جهانی**	سهم در مصرف جهانی نفت*	سهم در مصرف جهانی انرژی*
ایالات متحده آمریکا	۴/۷	۲۱/۱	۱۱/۱	۲۰	۲۵/۱	۲۳/۶	
اتحادیه اروپا	۵	۱۵/۹	۲۲	۳۴/۵	۱۷/۶	۱۵/۴	
کشورهای تازه صنعتی‌شده آسیا	۱/۳	۳/۳	۹/۳	۹/۷	۵/۳	۳/۸	
ژاپن	۲/۱	۷	۵/۷	۵/۴	۶/۸	۵/۲	
چین	۲۰/۹	۱۳/۶	۵/۳	۳/۶	۷/۶	۱۲/۱	
هند	۱۷/۲	۵/۷	۰/۹	۰/۷۷	۳/۱	۳/۵	

منابع: IMF Sep.2004-BP2004

** آمار مربوط به سال ۲۰۰۰ است که از گزارش اقتصادی گذشته آورده شده است

چین با ۲۰/۹٪ جمعیت جهان، ۱۲/۶٪ ارزش افزوده کل جهان را داراست و در حدود ۵/۳٪ واردات جهان را دارا می‌باشد همچنین با مصرف ۱۲/۱٪ انرژی و ۷/۶ درصد نفت جهان، از قطب‌های عمده مصرف نفت و انرژی محسوب می‌شود. این کشور سهم رو به رشدی را از تجارت جهانی کسب نموده و در رونق تجاری و رشد تقاضای دیگر کشورها، تاثیر به‌سزایی دارد. سپس ژاپن به تنهایی با داشتن ۲/۱٪ جمعیت جهان، ۷٪ ارزش افزوده کل جهان را داراست و حدود ۵/۷٪ از حجم صادرات جهان را بر عهده دارد. همچنین مصرف‌کننده ۵/۲٪ از انرژی و ۶/۸٪ نفت جهان می‌باشد. وابستگی اقتصادی ژاپن و اروپا به تجارت خارجی الزام بررسی این مولفه را در تحولات آنان تداوم می‌بخشد. کشورهای تازه صنعتی‌شده آسیا نیز ۱/۳ درصد از جمعیت جهان، ۳/۳٪ ارزش افزوده کل جهان را در اختیار دارند و در حدود ۹/۳٪ حجم صادرات و ۹/۷٪ واردات جهان را دارا می‌باشد. همچنین ۳/۸٪ از انرژی و ۵/۳٪ نفت جهان را مصرف می‌کنند.

بر این اساس می‌توان گفت که سایر کشورها، هر چند بعضاً در تحولات بازارهای جهانی دخیل و موثر هستند، اما سهم آنها با توجه به GDP و یا حجم تجارت جهانی نمی‌تواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر تحولات اقتصاد جهان داشته باشد. به این دلیل با مشخص شدن میزان اهمیت قطب‌های اقتصادی عمده، بخش اعظم تحولات آتی جهان را همین مناطق عمده منعکس می‌نمایند در ادامه بحث، هر یک از این مناطق بطور جداگانه براساس شاخص‌های عمده اقتصادی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

الف. ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا تقاضای داخلی در سه سال اخیر همگام با رشد اقتصادی آن، افزایش داشته است. انتظار می‌رود ملایم تر شدن نرخ رشد اقتصادی آمریکا پس از سال ۲۰۰۴، با شدت کمتری تا سال ۲۰۰۶ ادامه داشته باشد (جدول ۳ و نمودار ۱. الف). در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تقاضای داخلی در این کشور افزایش داشته و پس‌انداز در واقع میزان ناچیزی از مخارج خانوار را در بر می‌گرفته است. بطور کلی اقتصاد ایالات متحده آمریکا بر مبنای مصرف خصوصی بنا شده است و لذا همگام با کاهش رشد در سال ۲۰۰۵ تقاضای واردات آن نیز کاهش یافته است.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا رکود حاصل شد و بیکاری افزایش یافت سپس از سال ۲۰۰۲ مجدداً قیمت‌ها روندی افزایشی پیدا کردند. بنابر گزارش‌های IMF2005 و OECD در سال ۲۰۰۵ نیز قیمت‌ها همچنان در سطح متوسط باقی مانده است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۶ نیز این روند تقریباً حفظ گردد. از طرف دیگر بیکاری در ایالات متحده تقریباً بالاست؛ هر چند از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۵ روندی نزولی پیدا کرده و در سال ۲۰۰۶ نیز تقریباً در همین سطح باقی خواهد ماند (جدول ۳).

علی‌رغم کاهش ارزش دلار، تقاضای واردات ایالات متحده افزایش یافته و از طرف دیگر صادرات آن کاهش پیدا کرده و بالطبع کسری تجاری آن تشدید شده است. کاهش ارزش دلار به همراهی قیمت‌های بالای نفت، در ایالات متحده، با توجه به تقاضای داخلی بالای این کشور در مقایسه با تجارت جهانی تا اندازه‌ای اثرات منفی کسری تراز تجاری را جبران نموده است (نمودار ۱. ج). تراز تجاری ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ روندی نزولی داشته و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۶ نیز تغییرات چندانی در آن حاصل نشود. در ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ کسری تراز تجاری بالا و

در حدود ۵/۸٪ از GDP بوده است.

بنابر پیش‌بینی‌های IMF و OECD در سال ۲۰۰۶ شاخص اطمینان، خصوصاً برای مصرف‌کنندگان ایالات متحده، به میزان مطلوب خود باز خواهد گشت و بازار سهام پر قدرت باقی خواهد ماند. در نتیجه پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاری نیز بر بهبود وضعیت ایالات متحده مبتنی بوده و می‌توان بهبود وضعیت اقتصادی جهان را نیز به تبع پی‌آمدهای آن انتظار داشت؛ هرچند این بهبود و رشد کماکان به سطح نرخ‌های رشد تحقق یافته در سال ۲۰۰۴ نخواهد رسید و نسبت به آن کمتر خواهد بود.

ب. منطقه پولی یورو

بطور کلی در منطقه پولی یورو در چند سال اخیر، نرخ رشد خیلی قابل توجه و بالا نبوده است و رشد متوسط حاصل شده نیز بیشتر از جانب افزایش تقاضای داخلی این منطقه سرچشمه گرفته است. بر حسب بررسی‌های IMF و OECD ۲۰۰۵ پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی منطقه پولی یورو که از ۲٪ در سال ۲۰۰۴ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته، در سال ۲۰۰۶ با افزایش مجدد به ۲/۳ درصد افزایش یابد. در نتیجه در سال ۲۰۰۶ انتظار بهبود نسبی برای این منطقه وجود خواهد داشت (نمودار ۲. الف). در منطقه پولی یورو تورم در سطح متوسطی کنترل شده است و انتظار تغییر قابل توجهی نیز در آن تا سال ۲۰۰۶ وجود ندارد (نمودار ۲. ب). بیکاری موجود در منطقه پولی یورو بیش از میزان نرخ بیکاری متوسط موجود در جهان است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۶ نیز، هرچند کاهشی در حدود ۳ درصد پیدا نماید، اما موفقیت قابل توجهی در از بین بردن بیکاری حاصل نخواهد شد. نرخ بیکاری بالای این منطقه تا اندازه‌ای ناشی از بهره‌وری نسبی پایین‌تر نیروی کار در این منطقه و همچنین مسن‌تر شدن جامعه، و تحمیل هزینه‌های بالای پرداخت بازنشستگی است که خود به خود منابع تزریقی صندوق‌های بازنشستگی برای سرمایه‌گذاری‌ها را محدود می‌نماید. از آنجا که این پدیده که در واقع یک خصوصیت ساختاری است، در افق‌های زمانی بلندمدت قابل رفع خواهد بود، لذا در فاصله‌های زمانی کوتاه‌مدت تا میان‌مدت، جبران موضوع نرخ‌های بیکاری بالای منطقه پولی یورو و تا اندازه‌ای کل اروپا غیرمحمول خواهد بود. البته سیاست‌های اخیر بانک مرکزی اروپا مبنی بر پایین نگه‌داشتن نرخ‌های بهره تا دو سال آینده می‌تواند در این زمینه امیدهای جدیدی را در بهبود سرمایه‌گذاری و توسعه فرصت‌های شغلی ایجاد نماید.

علیرغم افزایش تقاضا در منطقه پولی یورو، رشد اقتصادی این منطقه در نیمه دوم سال ۲۰۰۴ کاهش داشته است؛ دلیل عمده این امر کاهش خالص صادرات این منطقه بوده که عمدتاً بدلیل افزایش ارزش یورو صورت گرفته و در سال ۲۰۰۵ نیز تجارت خارجی این منطقه سود کمتری برای آنها دربرداشته است. هر چند قابل ذکر است که اقتصاد منطقه پولی یورو، بیشتر از ناحیه حجم بالای تجارت داخلی فیما بین کشورهای خود این منطقه سود می‌برد و اساساً مبادلات داخلی منطقه، تجارت آنرا هدایت خواهد نمود و لذا تغییرات ارزش یورو در این زمینه تأثیری در جهت‌گیری‌ها نخواهد داشت (نمودار ۲. ج).

بر اساس گزارش‌های OECD، آلمان در سال ۲۰۰۵ از بهبود نسبی اقتصادی برخوردار شده و این کشور بیش از سایر کشورهای اروپایی به تقاضای خارجی متکی بوده است. هر چند سرمایه‌گذاری و مصرف خصوصی در آلمان در حد مطلوبی نبوده اما همچنان امید به رشد صادرات این کشور در سال ۲۰۰۶ نیز وجود دارد. بر اساس مطالعات IMF2005 و OECD در سال ۲۰۰۵ تقاضای داخلی منطقه پولی یورو افزایش یافته و در نتیجه میزان رشد و شاخص‌های اطمینان در این منطقه نیز بهبود داشته و انتظار می‌رود این بهبود در سال ۲۰۰۶ نیز ادامه یابد. بر این اساس در مقایسه با کشورهای این منطقه، بهبود سرمایه‌گذاری در آلمان از سایرین بیشتر خواهد بود.

جد ۳. عملکرد و پیش‌بینی نرخ رشد متغیرهای عمده در ایالات متحده امریکا

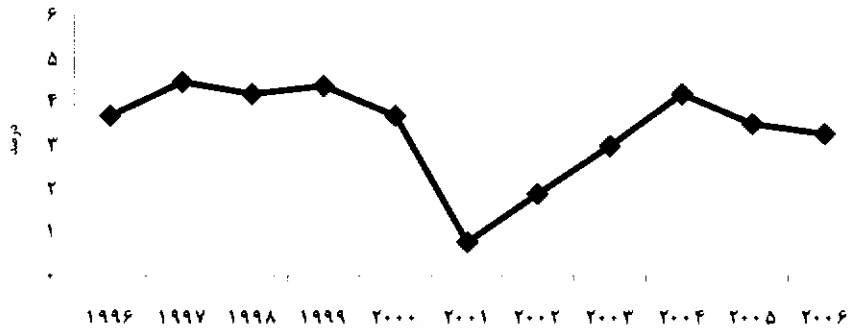
(درصد)

شاخص	سال		۲۰۰۱		۲۰۰۲		۲۰۰۳		۲۰۰۴		۲۰۰۵		متوسط تا ۱۹۹۶ ۲۰۰۵		
	منبع	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF
نرخ رشد اقتصادی		۰/۸	۱/۲	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۳	۳	۴/۲	۴/۲	۳/۶	۳/۵	۳/۴	۳	۳/۴
نرخ تورم		۲/۴	۲/۲	۱/۷	۱/۱	۱/۸	۱/۶	۲/۶	۲	۲/۵	۲/۷	۲/۱	۲/۵	۱/۴	۱/۹
نرخ بیکاری		۴/۸	۴/۷	۵/۸	۵/۸	۶	۶/۱	۵/۵	۵/۵	۵/۵	۵/۲	۵/۱	۵/۲	۵	۵
تراز تجاری (GDP٪)		-۲/۸	-۴/۱	-۴/۵	-۴/۸	-۴/۸	-۵/۰	-۵/۷	-۵/۷	-۵/۷	-۵/۸	-۶/۵	-۵/۷	-۶/۷	-۶/۷
نرخ بهره: کوتاه‌مدت		۳/۵	۳/۷	۱/۶	۱/۸	۱	۱/۲	۱/۴	۱/۵	۱/۵	۳/۱	۳/۵	۴/۲	-	-
بلند مدت		۵	-	۴/۶	-	۴	-	۴/۳	-	۴/۳	-	۵/۳	۴/۲	-	-

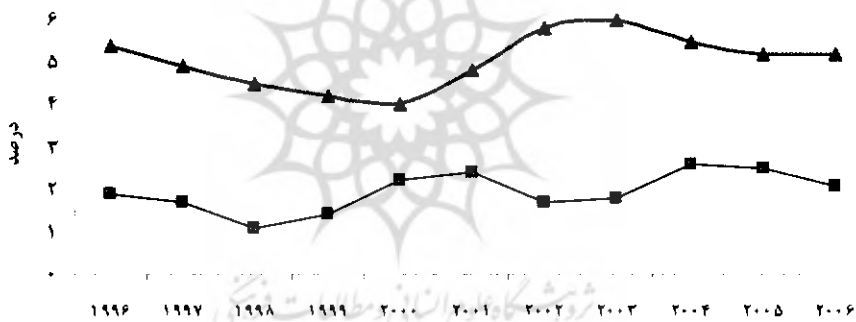
نمودار ۱. عملکرد و پیش‌بینی شاخص‌های عمده در ایالات متحده آمریکا

(درصد)

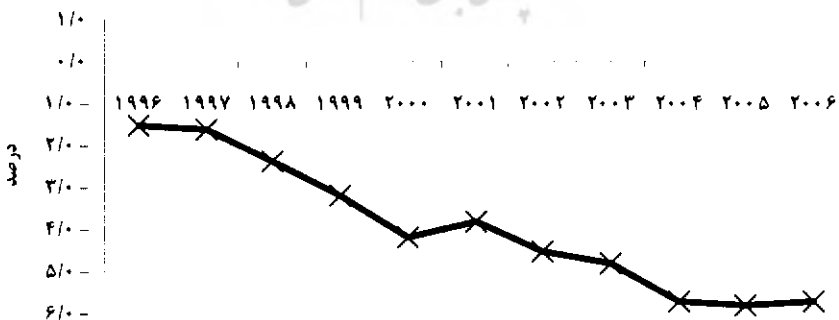
الف. نرخ رشد اقتصادی



ب. تورم و بیکاری



ج. تراز تجاری



ج. ژاپن

در ژاپن چگونگی روند تحولات متغیرهای عمده، به دلیل وجود یکسری عوامل مثبت و منفی در آن، به راحتی قابل پیش‌بینی نیست. عوامل مثبتی که در ژاپن بر متغیرها موثر هستند عبارتند از افزایش سرمایه‌گذاری تجاری، بهبود وضعیت بازار کار، کاهش سطح بیکاری و افزایش دستمزدها که احتمالاً منجر به افزایش مصرف خصوصی می‌شود. از عوامل منفی تأثیرگذار احتمالی بر اقتصاد این منطقه، می‌توان کاهش احتمالی رشد صادرات و مصرف خانگی را نام برد که با لحاظ نمودن کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۵ در چگونگی شکل‌گیری پیش‌بینی‌های مربوط به سال ۲۰۰۶ ژاپن تأثیرگذار خواهند بود.

علاوه بر این، در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۴، نرخ رشد ژاپن بدلیل تغییرات ایجاد شده در سیستم اصلاح حسابها در این کشور و در نتیجه تغییرات در محاسبات آماری و ارقام، کاهش یافت. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری، صادرات و مصرف نیز در سال ۲۰۰۴ در ژاپن رشد عمده‌ای نداشتند. بر این اساس، حسب بررسیهای IMF و OECD، نرخ رشد ژاپن از ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۰/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافت و پیش‌بینی می‌شود این شاخص در سال ۲۰۰۶ به ۱/۹ درصد (۲ درصد در OECD) افزایش یابد (جدول ۵ و نمودار ۳. الف).

بیکاری در ژاپن در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۳ کاهش قابل توجهی داشته است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۶ نیز همین روند کاهشی را ادامه دهد. تورم نیز در این کشور در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۳ افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۰۵ نیز ثابت باقی ماند. بر اساس همین پیش‌بینی‌ها نرخ تورم در سال ۲۰۰۶ نیز کماکان منفی خواهد بود (از ۱/۲- درصد به ۰/۶- درصد).

دلیل عمده پیش‌بینی‌های مبنی بر بهبود اقتصاد ژاپن در واقع اینست که در سال ۲۰۰۵ بهبود در مصرف خصوصی ایجاد شد و با ارتقا شاخص اطمینان تجاری، سرمایه‌گذاری در این کشور افزایش یافت؛ هر چند از لحاظ صادرات نسبت به سال ۲۰۰۴ احتمالاً ضعیف‌تر شده است.

د. کشورهای تازه صنعتی شده آسیا

افزایش رشد اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده آسیا در سال ۲۰۰۴ قابل توجه است

اما این گروه از کشورها نیز همچون سایر نقاط عمده جهان در سال ۲۰۰۵ شاهد کاهش نرخ رشد اقتصادی شان بوده اند؛ هر چند براساس پیش بینی های IMF در سال ۲۰۰۶ این روند مجدداً سیر افزایشی خواهد داشت اما همچنان به میزان رشد بدست آمده در سال ۲۰۰۴ نخواهند رسید. (جدول ۶ و نمودار ۴. الف).

در کشورهای تازه صنعتی شده آسیا، بیکاری در فاصله سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ کاهش تدریجی خواهد یافت اما در مورد تورم پس از کاهش این شاخص در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۴، مجدداً در سال ۲۰۰۶ افزایش خواهد یافت (جدول ۶، نمودار ۵- ب). قابل ذکر اینکه، رشد سریع اقتصادی این کشورها همگام با رشد صادرات آنها صورت پذیرفته است هر چند کاهش تراز تجاری این گروه از کشورها نشان دهنده افزایش واردات آنها نیز می باشد، افزایش مصرف و سرمایه گذاری در کشورهای تازه صنعتی شده آسیا نیز، بر افزایش واردات آنان خواهد افزود (نمودار ۴. ج).

هـ. چین

رشد اقتصادی چین و به تبع آن رشد قابلیت های صادراتی و تجاری خارجی این کشور بعنوان عامل اساسی رشد در شرق آسیا و بسیاری از دیگر مناطق عمده جهان مطرح می باشد. هر چند در سال ۲۰۰۵ رشد چین تا حدودی کاهش یافت، اما در واقع

جدول ۴. عملکرد و پیش بینی نرخ رشد متغیرهای عمده در منطقه پولی یورو

(درصد)

سال	۲۰۰۱		۲۰۰۲		۲۰۰۳		۲۰۰۴		۲۰۰۵		۲۰۰۶		متوسط رشد ۰۵-۱۹۹۶
	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	
نرخ رشد اقتصادی	۱/۶	۱/۶	۰/۸	۰/۹	۰/۵	۰/۶	۲	۱/۸	۱/۶	۱/۱	۲/۳	۲/۱	۰/۵
نرخ تورم	۲/۴	۲/۲	۲/۵	۲/۴	۲	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۶	۱/۸	۱/۷	۱/۷	۲
نرخ بیکاری	۷/۸	۸	۸/۲	۸/۴	۸/۷	۸/۸	۸/۹	۸/۸	۸/۷	۸/۷	۸/۴	۸/۴	۹
تراز تجاری	۰/۲	۰/۴	۰/۸	۱/۱	۰/۳	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰	۰/۵	-۰/۲	۱
نرخ بهره یکونانه مدت	۴/۲	۴/۲	۳/۳	۳/۳	۲/۴	۲/۳	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۴	۲/۲	۴
پلند مدت	۵	-	۴/۹	۱/۹	۴/۲	۴/۱	۴/۳	۴/۳	۴/۴	۳/۵	۴/۹	-	۵

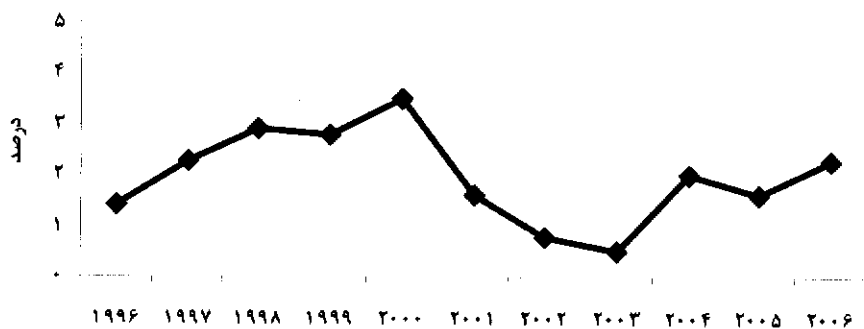
منابع:

IMF, Sep. 2005. IMF, Sep. 2005. OECD Economic Outlook No. 78, Dec. 2005- Press Conference- Paris, Jean Philippe Cotis- ۱

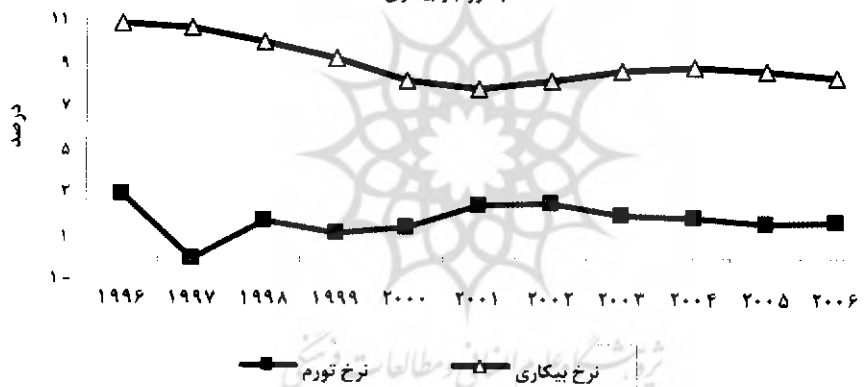
نمودار ۲. عملکرد و پیش‌بینی نرخ رشد متغیرهای عمده در منطقه پولی یورو

(درصد)

الف. نرخ رشد اقتصادی

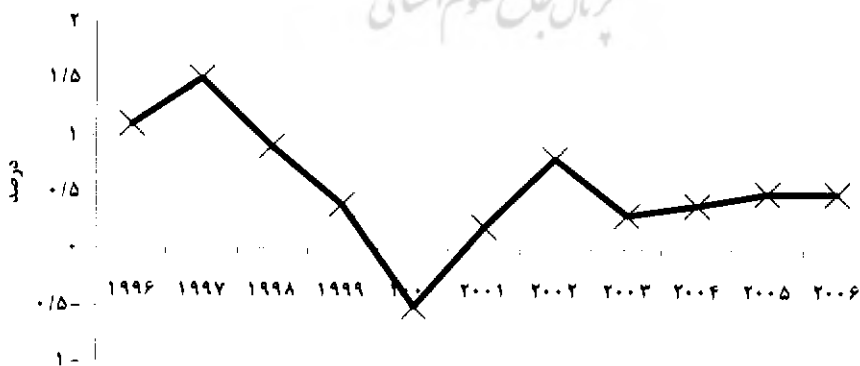


ب. تورم و بیکاری



نرخ تورم (مربع) نرخ بیکاری (مثلث)

ج. توازن تجاری



میزان ۸/۲ درصد رشد در چین نشان دهنده ادامه تاثیرگذاری قابل ملاحظه این کشور در اقتصاد جهان می باشد. پایداری رشد بالای چین، افزایش تقاضای نفت و بسیاری از کالاهای غیر نفتی را برای این کشور و برخی از دیگر نقاط جهان در پی خواهد داشت. OECD و IMF پیش‌بینی نموده اند که در سال ۲۰۰۶ صادرات این کشور افزایش یابد و توسعه تراز تجاری، شرایط مالی مناسب و کاهش قابل توجه بیکاری در چین موجبات رشد و بهبودی این کشور را فراهم آورند. در نتیجه چین همچنان از عوامل مؤثر در تحولات اقتصادی جهان و بازار انرژی محسوب خواهد شد؛ ضمناً شاخص تورم این کشور، نسبت به سایر مناطق آسیایی افزایش کمتری خواهد داشت.

۳. بررسی روندهای مقایسه‌ای مناطق عمده جهان با یکدیگر

در این قسمت شاخص‌های عمده اقتصادی همچون نرخ رشد اقتصادی، شاخص اطمینان تجاری و مصرف کننده، نرخ بیکاری، تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و تراز تجاری در بین مناطق مورد اشاره در قسمت قبل، مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرند و در نتیجه می توان وضعیت هر یک از مناطق عمده را نسبت به دیگری بررسی نمود.

۳-۱. مقایسه نرخ رشد اقتصادی در مناطق عمده

در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۴ نرخ‌های رشد اقتصادی مناطق عمده کاهش قابل توجهی یافتند. کاهش ایجاد شده در ژاپن، (چنانچه در قسمت قبل نیز عنوان شد)، مربوط به سیستم اصلاح حساب‌ها در این کشور بوده است. همانگونه که قابل مشاهده است این تغییرات حتی موجب منفی شدن نرخ رشد ژاپن نیز شده‌اند. پس از آن بیشترین کاهش مربوط به ایالات متحده و سپس منطقه پولی یورو بوده است. از جمله دلایل عمده کاهش در نرخ رشد اقتصادی برای ایالات متحده، کاهش شاخص اطمینان تجاری و سرمایه‌گذاری بوده است و برای منطقه پولی یورو نیز افزایش ارزش یورو و پی‌آمدهای تبعی آن بر موازنه تجارت خارجی و تشدید کسری آن را می‌توان دلیل عمده کاهش‌های ایجاد شده در نرخ رشد اقتصادی دانست.

۳-۲. روندهای مقایسه‌ای شاخص اطمینان در مناطق عمده اقتصادی

پس از بهبود ایجاد شده در شاخص‌های اطمینان (چه تجاری و چه مصرف کننده) از سال ۲۰۰۳، از اواسط سال ۲۰۰۴ مجدداً شاخص اطمینان تجاری در هر سه منطقه

ایالات متحده، منطقه پولی یورو و ژاپن رو به افول گذاشت. در این میان کاهش صورت گرفته در آلمان نسبت به سایرین بسیار کمتر بود و همین امر عمدتاً دلیل بهبود بیشتر اقتصادی در این کشور نسبت به سایر کشورهای منطقه پولی یورو در سال ۲۰۰۵ بوده است.

شاخص اطمینان مصرف کننده در مناطق عمده اقتصادی جهان، از اوایل سال ۲۰۰۴ روندی نوسانی نشان می‌دهند.

در ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ شاخص اطمینان مصرف کننده کاهش داشته و در واقع کاهش عمده شاخص اطمینان تجاری و مصرف کننده در ایالات متحده دلیل اصلی ملایم‌تر شدن رشد اقتصادی این منطقه و در نتیجه جهان بوده است. در ژاپن و منطقه پولی یورو شاخص اطمینان مصرف کننده در سال ۲۰۰۵ تقریباً ثابت مانده است.

جدول ۵. عملکرد و پیش‌بینی نرخ رشد متغیرهای عمده در ژاپن

(درصد)

متوسط رشد ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵		۲۰۰۶		۲۰۰۵		۲۰۰۴		۲۰۰۳		۲۰۰۲		۲۰۰۱		سال
		OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	OECD	IMF	
نرخ رشد اقتصادی														
۱.۷	۱.۶	۲	۱.۹	۲.۴	۰.۸	۴	۲.۶	۲.۵	۱.۴	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۴	۰.۴	منبع
نرخ تورم														
-۱.۴	-۱.۳	-۰.۱	-۰.۶	-۱.۱	-۱.۲	-۲.۳	-۱.۲	-۲.۵	-۱.۴	-۲	-۱.۳	-۱.۴	-۱.۳	شاخص
نرخ بیکاری														
۵	۴.۵	۳.۹	۴.۱	۴.۴	۴.۳	۴.۴	۴.۷	۵.۳	۵.۳	۵.۴	۵.۴	۵	۵	نرخ
تراز تجاری														
۳	۲.۹	۳.۹	۳.۵	۳.۴	۳.۳	۳.۵	۳.۷	۲.۹	۳.۲	۲.۸	۲.۸	۲.۲	۲.۱	رشد اقتصادی
نرخ بهره														
۰	۰.۱	۰.۴	۰.۲	۰	۰.۱	۰	۰	۰	۰	۰.۱	۰	۰.۱	۰	نرخ تورم
کوتاه مدت														
-	۱.۷	-	-	۱.۸	۱.۳	-	۱.۵	-	۱	-	۱.۳	-	۱.۳	نرخ بیکاری
بلند مدت														
تراز تجاری														
نرخ بهره														
کوتاه مدت														
بلند مدت														

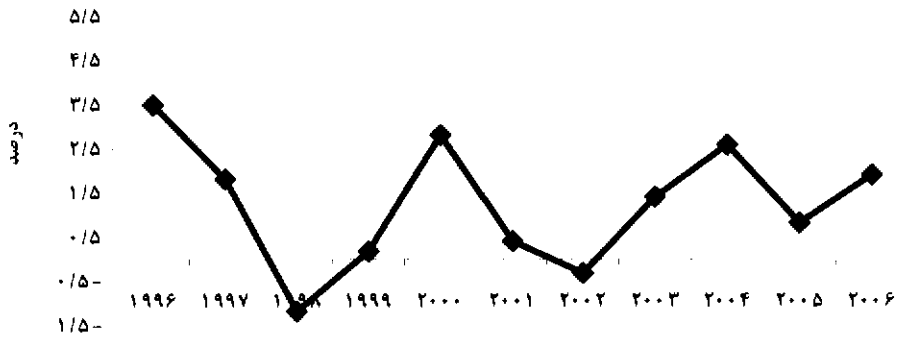
منابع:

OECD Economic Outlook No.78, Dec.2005- Press Conference- Paris, Jean Philippe Cotis- ۱- IMF, Sep.2005. جداول آماری و ۱-

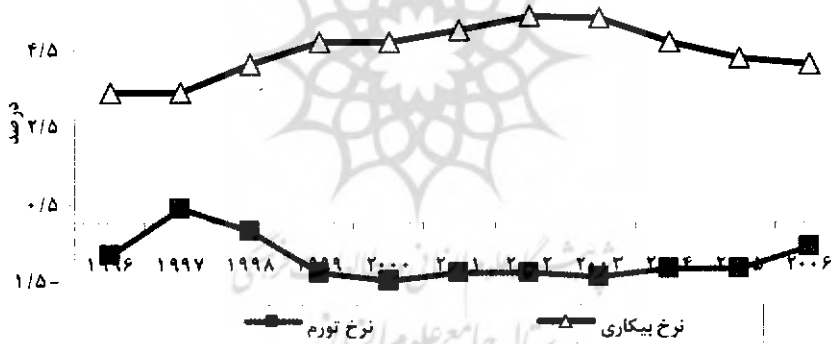
نمودار ۳. عملکرد و پیش‌بینی شاخص‌های عمده در ژاپن

(درصد)

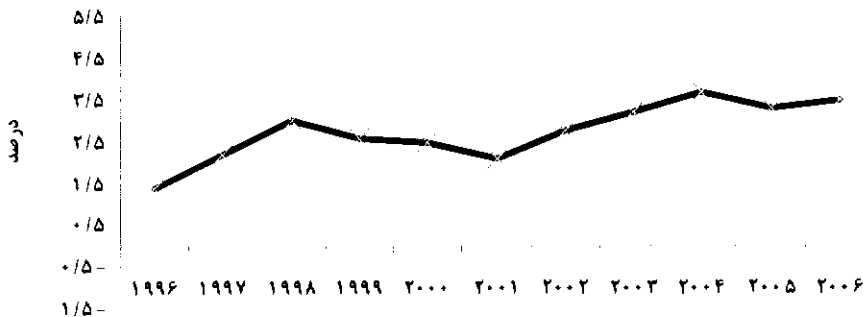
الف. نرخ رشد اقتصادی



ب. بیکاری و تورم



ج. تراز تجاری



جدول ۶. عملکرد و پیش‌بینی نرخ رشد متغیرهای عمده در کشورهای تازه صنعتی شده آسیا توسط IMF

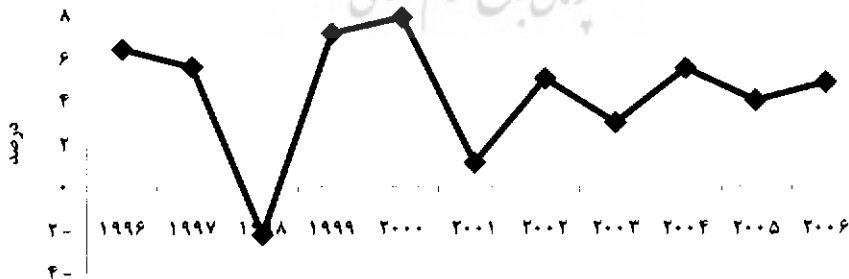
(درصد)

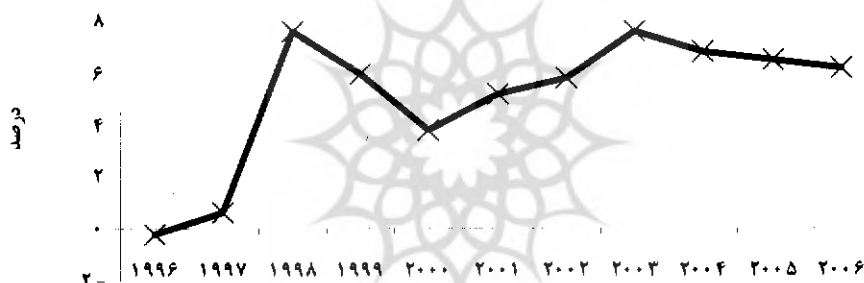
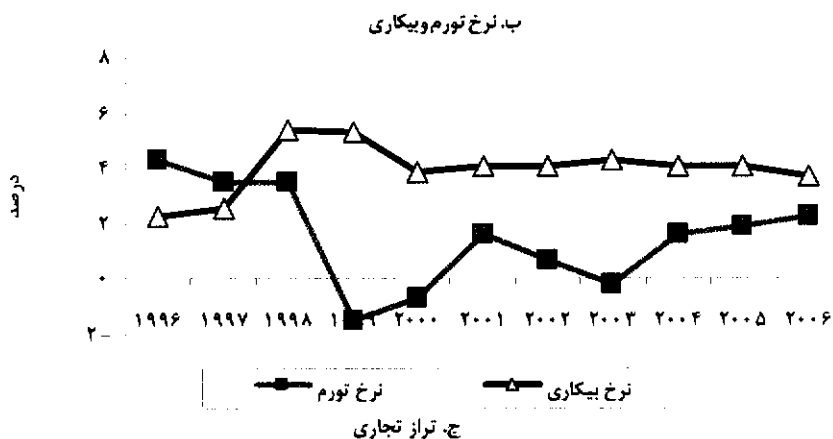
سال	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
نرخ رشد اقتصادی	۶/۴	۵/۶	-۲/۲	۲/۷	۷/۹	۱/۳	۵/۳	۳/۱	۵/۵	۴	۴/۸
نرخ تورم	۴/۳	۳/۶	۳/۷	-۱/۴	-۰/۶	۱/۷	۰/۸	۱/۵	۲/۴	۲/۲	۲/۳
نرخ بیکاری	۲/۳	۳/۶	۵/۴	۵/۳	۳/۹	۴/۱	۴/۱	۴/۳	۴/۱	۴	۳/۷
تراز تجاری	-۰/۲	۰/۵	۵/۷	۹/۵	۳/۷	۵	۵/۵	۷/۴	۷/۱	۶/۸	۲/۶
نرخ بهره کوتاه‌مدت	۸/۷	۹/۳	۱۰/۵	۴/۶	۴/۶	۳/۷	۰/۷	۳	۳/۷	۳/۴	-
بلند مدت	۸/۲	۸/۹	۹/۷	۶/۸	۶/۹	۵	۴/۹	۴/۸	۴/۹	۴/۳	-

منبع: IMF-Dec. 2005

نمودار ۴. عملکرد و پیش‌بینی متغیرهای عمده در کشورهای تازه صنعتی شده آسیا (IMF)

(درصد)





۳-۳. روندهای مقایسه‌ای نرخ بیکاری و رشد سالانه نیروی کار

میزان بیکاری در کشورهای توسعه یافته جهان همچنان در حد قابل ملاحظه‌ای بالا است و در واقع نسبت به روند تاریخی خود در بالاتر از حد متوسط آن قرار دارد. برای سال ۲۰۰۶، پیش‌بینی می‌شود بیکاری در مناطق عمده تغییر چندانی نداشته باشد. در این میان منطقه پولی یورو بالاترین میزان بیکاری را خواهد داشت و سپس ایالات متحده و ژاپن قرار دارند. درصد رشد سالانه نیروی کار در ایالات متحده نسبت به مناطق عمده دیگر روند بهتری را نشان می‌دهد و در نتیجه نشان‌دهنده بهبود وضعیت اشتغال در این منطقه می‌باشد.

۳-۴. روندهای مقایسه‌ای تورم در مناطق عمده اقتصادی

در هیچکدام از مناطق عمده مورد بررسی، تورم واقعی علی‌رغم افزایش قیمت نفت و

قیمت برخی کالاهای غیرنفتی، افزایش قابل ملاحظه‌ای از خود نشان نداده است. در بین سه منطقه مورد بحث روند تورم واقعی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ تنها در ایالات متحده افزایشی می‌باشد و برای منطقه پولی یورو و ژاپن نشان‌دهنده تداوم روندی نسبتاً ثابت است.

۳-۵. روندهای مقایسه‌ای نرخ بهره در مناطق عمده اقتصادی

چنانچه مشاهده می‌شود افزایش نرخ بهره در ایالات متحده، از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ را می‌توان از جمله دلایل کاهش سرمایه‌گذاری در این کشور دانست؛ کاهش نسبی سرمایه‌گذاری در این کشور پی آمدهای انقباضی بر رشد اقتصادی این کشور داشته است. در سایر مناطق عمده نیز، نرخ‌های بهره در واقع از اواخر سال ۲۰۰۴ روندی صعودی در پیش گرفته‌اند که این روند در سال ۲۰۰۵ نیز ادامه داشت. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۶ نیز روند صعودی نرخ بهره کماکان ادامه یابد.

۳-۶. روندهای مقایسه‌ای تراز تجاری در مناطق عمده

در مقایسه تراز تجاری مناطق عمده، وجود کسری بالای تراز تجاری ایالات متحده در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ قابل توجه است. براساس پیش‌بینی‌ها هم ایالات متحده و هم کشورهای در حال توسعه، در سال ۲۰۰۶ احتمالاً تغییر محسوسی در تراز تجاری خود شاهد نخواهند بود؛ اما در منطقه پولی یورو، علی‌رغم افزایش ارزش یورو، پیش‌بینی می‌شد تراز تجاری آن در سال ۲۰۰۵ بهبود نسبی یابد که این پیش‌بینی محقق گشت. برای این امر عمدتاً دو دلیل بنیادی وجود داشت: اولاً، نرخ بهره پایین‌تر این منطقه نسبت به ایالات متحده که موجب شد سرمایه‌گذاری در این کشورها بیشتر شده و در نتیجه صادرات آنها، افزایش یابد. ثانیاً، مبادلات تجاری در داخل کشورهای عضو منطقه پولی یورو نیز عامل دیگری بود که تأثیر مثبت خود را بر منطقه بر جای گذارد زیرا مبادلات داخل منطقه در واقع ربطی به افزایش ارزش یورو نداشته است.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

سال ۲۰۰۴ برای اقتصاد جهانی یک سال استثنایی، با بهبود گسترده اقتصادهای جهان، تورم جهانی ملایم، و بهبود شاخص‌های اطمینان در مقایسه با سال‌های قبل بوده است. علی‌رغم این رونق، تبعات منفی افزایش قیمت نفت بر شاخص‌های اطمینان تجاری و

مصرف کننده و در نتیجه انقباض سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی، همچنین افزایش ارزش یورو، وین و اثرات نامطلوب آن بر تراز تجاری در شریک تجاری عمده ایالات متحده (یعنی ژاپن و منطقه پولی یورو) همگی باعث شدند نرخ رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۵ در سطحی پایین تر قرار گیرد و البته امید به برگشت جزئی آن در سال ۲۰۰۶ وجود دارد.

به دنبال رونق رو به رشد آشکار شده در غالب اقتصادهای جهان در فصول پایانی سال ۲۰۰۳ و در سال ۲۰۰۴، رشد اقتصادی اکثر نواحی پیشرفته صنعتی جهان از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن رو به بهبود گذاشته و سال نسبتاً پر رونقی را در مقایسه با سال های پیش از ۹۷ تجربه نمودند. هرچند در سال ۲۰۰۵ تمامی مناطق مذکور شاهد کاهش نرخ رشد اقتصادی خود بودند.

علاوه بر کشورهای توسعه یافته، کشورهای تازه صنعتی شده و دارای رشد بالا نظیر چین، شرق آسیا و برخی نواحی آمریکای لاتین نیز در مقایسه با دهه گذشته در بهترین موقعیت رشد اقتصادی خود در سال ۲۰۰۴ قرار داشتند. این نواحی نیز در سال ۲۰۰۵، رشد اقتصادی آرام تری نسبت به قبل پیدا نمودند.

در این زمینه در بین شاخص های عمده اقتصادی، هنوز امید به بهبود نرخ های بیکاری بالا در سطح کشورهای پیشرفته وجود ندارد، همچنین بهبود بازار سهام تکرار نوسانات شدید قیمت نفت و ادامه تحولات مشابه نرخ ارز از جمله مواردی است که برای سال ۲۰۰۶ در پیش بینی ها تأکید شده است. در این میان انتظارات مبنی بر پیشرو بودن کشورهای OECD در رشد جهان، نیاز آمریکا به رقابت با اروپا، ژاپن، شرق آسیا و در نظر داشتن چین و هند و همچنین افزایش تقاضای آسیا و بهبود وضعیت چین و هند نشان دهنده روند تحولات مناطق عمده در سال ۲۰۰۶ می باشند.

رشد سریع اقتصاد جهانی، به همراه محدودیت های خاص بازار نفت در سال ۲۰۰۴ که رکوردهای بی سابقه ای تا آن زمان از افزایش قیمت نفت را بر جای گذاشت و قیمت نفت در این سال به بالاترین سطح خود تا آن زمان رسید، (اگر چه به قیمت های واقعی، هنوز به سطح قیمت های اوایل دهه ۱۹۸۰ نرسیده است)، در سال ۲۰۰۵ نیز روند افزایشی قیمت نفت تا حدودی حفظ گردید و حتی کاهش های ایجاد شده در رشد مناطق عمده مصرفی نیز نتوانست از افزایش نسبی قیمت های نفت جلوگیری نماید.

با توجه به پیش بینی های مبنی بر افزایش نسبی رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۶ نسبت به ۲۰۰۵ و چشم انداز بهبود وضعیت اروپا و همچنین بازارهای مصرفی

آسایبی انتظار بر این خواهد بود که بدلیل تداوم بالا بودن تقاضای نفت در مناطق عمده مصرفی جهان، قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۶ نیز همچنان در سطوح بالا قرار داشته باشد. اساس اصلی این برآوردها را می‌توان بهبود اقتصادی مناطق عمده مصرفی و روند افزایشی تقاضا در آنها دانست.

منابع و مآخذ

۱. مهرورز، مهدی؛ «دانشنامه نفت و انرژی»، انجمن نفت ایران، مهرماه ۱۳۷۸.
۲. گودرزی، اوستا؛ «بررسی روند جهانی به‌کارگیری فن‌آوری‌های جانشین (Alternative Technologies) در صنعت خودرو»، «همایش مصرف سوخت در خودرو، معاونت انرژی وزارت نیرو»، اسفند ماه ۱۳۸۱ تهران.
۳. متصدی، سعید - درویشی، فریبا - امیر دیوانی، پگاه؛ «بررسی اثرات زیست‌محیطی سوخت‌های مصرفی کشور»، همایش مصرف سوخت در خودرو، معاونت انرژی وزارت نیرو، اسفند ماه ۱۳۸۱ تهران.
۴. شاعری، رضا - میرعبدالله لواسانی، آرش؛ «تبیین جایگاه گاز طبیعی فشرده به‌عنوان سوخت خودروها»، چهارمین همایش ملی انرژی، کمیته ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران، وزارت نیرو، اردیبهشت ۱۳۸۲ تهران.
۵. بودزولیاک، بوگدان - استاتیوکو، ویکتور - پرونین، اوژن؛ «واقعیت‌های NGV روسیه، جلوه‌های نوین» - گزارش سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور، کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی خودروهای با سوخت گاز طبیعی، کلن، آلمان ۱۹۹۸
۶. موبرز، لوک - «NGV بر سر چهار راه آینده» - گزارش سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور، کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی خودروهای با سوخت گاز طبیعی، کلن، آلمان ۱۹۹۸.
۷. هراس، یوسوک - «استراتژی تولید انبوه خودروهای با سوخت گاز طبیعی در ژاپن»، کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی خودروهای با سوخت گاز طبیعی کلن آلمان ۱۹۹۸

8. Cornell Global economics' Trend. <http://www.getrends.com>

9. OECD Annual report , Dec. 2005

10. International Monetary Found Annual report, IMF, Sep. 2005

11. The fallacy of composition: A review of the literature united nation's conference on trade of development. Feb 2003

12. A- Naimi, Ali, 2001, The relationship between the economy, Energy & the environment, , 2d international oil Summit Conference
13. Bew Robin, chief economist, Feb 2004-06-20, Economist Intelligence Unit, Oil Price to Fall in Months ahead
14. Interest rates & oil prices Join to push dollar lower- may 2004, Taipei times-archives
15. Oil & Gas Journal. US Economy Propels 2004 Energy Demand. Jan 2004-
16. Jin Philip Quartis Speeches- chief Of OECD Economic Dep
17. Ota, kanji-"Requirements far Increasing ownership of clean vehicles and subjects-A case study of CNG Trucks-" The Institute of Energy Economics, Japan, 2001
18. "Role of CNG vehicles far Air Quality Management"-The World Bank, 2001
19. Moon,Soo Ahm-"korea's CNG Bus promotion policy"
-Automotive pollution control Division, Ministry of Environment 2000.
20. Huizenga, cornie-"clean Air Initiative for Asian cities"-Washington D.C,USA 2002
21. www. IEEO.org سازمان بهینه سازی مصرف سوخت کشور
22. www.IANGV.org انجمن بین المللی خودروهای با سوخت گاز طبیعی
23. www.ENGVA.org انجمن اروپایی خودروهای با سوخت گاز طبیعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی